

### ۳ - مقام انسان کامل و مظهر کلی الهی که مقام نفس حق در تکوین و تشریح است و عرفان الله بعرفان آن حصول یابد

و نیز در لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الاعلی: هو الاقدس الاعظم العظیم الحکیم ندای مظلوم آفاق را بلسان پارسی بشنو جمیع لاجل عرفان الله خلق شده اند و عرفان او منوط بعرفان مظهر و مشرق وحی او بوده چه آذات مقدس لم یزل مقدس از ظهور و بروز و منزله از صعود و نزول بوده و خواهد بود و جمیع اسماء و صفات علیا بمشرق امر الهی راجع چه که اوست ظهور الله ما بین خلق او من عرفه فقد عرف الله و من اعرض عنه فقد اعرض عن الله المهیمن القیوم .

و در لوح خطاب بعبد الوهاب است قوله الاعلی: چنانچه در عالم مدن مختلفه و قراء متغایره و همچنین از اشجار و اثمار و اوراق و اغصان و افنان و بحار و جبال و کل آنچه در او مشهود است همین قسم در انسان کل این اشیاء مختلفه موجود است پس یک نفس حکم عالم بر او اطلاق میشود و لکن در مؤمنین شؤونات قدسیه مشهود است مثلاً سماء علم و ارض سکون و اشجار توحید و افنان تفرید و اغصان تجرید و اوراق ایقان و ازهار حب جمال رحمان و بحور علمیه و انهار حکمیه و لثالی عز صمدیه موجود و مؤمنین هم دو قسم مشاهده میشوند از بعضی این عنایت الهیه مستور چه که خود را بحجبات نالائقه از مشاهده این رحمت منبسطه محروم داشته اند و بعضی بعنایت رحمن بصرشان مفتوح شده و بلحظات الله در آنچه در انفس ایشان ودیعه گذاشته شده تفرس مینمایند و آثار قدرت الهیه و بدایع ظهورات صنع ربانیه را در خود ببصر ظاهر و باطن مشاهده مینمایند و هر نفسی که باین مقام فائز شد بیوم یغی الله کلا من سعته فائز شده و ادراک آن یوم را نموده . بشأنی خود را در ظل غنای رب خود مشاهده مینماید که جمیع اشیاء را از آنچه در آسمانها و زمین مخلوق شده در خود ملاحظه مینماید بلکه خود را محیط بر کل مشاهده کند لو ینظر ببصر الله

و در کتاب ایقان است قوله الاعلی و اکمل انسان و افضل و الطف و مظاهر شمس حقیقت اند بلکه ما سوای ایشان موجودند باراده ایشان و متحرک اند بافاضه ایشان لولا که لما خلقت الافلاک بلکه کل در ساحت قدس ایشان معدوم صرف و مفقود بحت اند بلکه منزله است ذکر ایشان از ذکر غیر و مقدس است وصف ایشان از وصف ما سوی .

و قوله الاعلی: و معرفت مبدء و وصول باو حاصل نمیشود مگر بمعرفت و وصول این کینونات مشرقه از شمس حقیقت پس از لقاء این انوار مقدسه لقاء الله حاصل میشود و از علمشان علم الله و از وجهشان وجه الله و از اولیت و آخریت و ظاهریت و باطنیت این جواهر مجرده ثابت میشود از برای آن شمس حقیقت بانه هو الاول و الآخر و الظاهره و الباطن و همچنین سائر اسماء عالیه و صفات متعالیه لهذا هر نفسی که باین انوار مضمین ممتنع و شمس مشرقه لائحه در هر ظهور موفق و فائز شد او بقاء الله فائز است و در مدینه حیات ابدیه باقیه وارد این لقاء میسر نشود برای احدی الا در قیامت که قیام نفس الله است بمظهر کلیه خود .

و در لوح خطاب بسلمان است قوله الاعلی: ای سلمان سبیل کل بذات قدم مسدود بوده و طریق کل مقطوع خواهد بود و محض فضل و عنایت شمس مشرقه از افق احدیه را بین ناس ظاهر فرموده و عرفان این انفس مقدسه را عرفان خود قرار فرموده من عرفهم فقد عرف الله و من سمع کلماتهم فقد سمع کلمات الله و من اقرهم فقد اقر بالله و من اعرضهم عنهم فقد اعرض عن الله و من كفر بهم فقد كفر بالله و هم صراط الله بین السموات و الارض و میزان الله فی ملکوت الامر و الخلق و هم ظهور الله و حججه بین عبادہ و دلانله بین بریتہ

و در لوحی دیگر قوله الاعلی: و اینکه در ظهور بعد اعمال قبل عند الله مقبول نبوده نظر بآن است که اعمال فرع عرفان بوده و خواهد بود و عرفان الله هم منوط بعرفان مظهر نفس اوست و هر نفسی الیوم از نفس ظهور که جمیع اوامر الهی طائف حول اوست محتجب ماند هیچ عملی او را نفع نمی بخشد اگر چه بعمل کل ممکنات عامل شود چنانچه عرفان بیت انسان را کفایت ننماید از عرفان منزل و مثبت آن و اگر نفسی الیوم تارک باشد جمیع اعمال را و عارف بحق باشد نجات از برایش باقی و لکن اگر نعوذ بالله از حق محتجب باشد و بتمام اعمال مشغول مفری از برای او نه و عند الله از اهل سجن و نفی و نار مذکور .

و در کتاب اقدس است قوله الاعلی: انّ اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق امره و مطلع وحیه الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بكل الخیر و الذی منع انه من اهل الضلال و لو یأتی بكل الاعمال

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله العزیز جمیع کائنات حکایتی کنند و پرتوی گیرند و بهره برند اما تجلی کمالات و فیوضات و صفات الوهیت از حقیقت انسان کامل یعنی آن فرد فرید مظهر کلی الهی ساطع و لامع است چه که کائنات سائره پرتوی اقتباس نمودند اما مظهر کلی آینه آن آفتاب است و بجمیع کمالات و صفات و آیات و آثار آفتاب در او ظاهر و آشکار است عرفان حقیقت الوهیت ممتنع و محال اما عرفان مظاهر الهیه عرفان حق است زیرا فیوضات و تجلیات و صفات مظاهر الهیه در آنها ظاهر پس اگر انسان پی بمعرفت مظاهر الهیه برد بمعرفت الله فائز گردد و اگر چنانچه از مظاهر مقدسه غافل از عرفان الهیه محروم پس ثابت و محقق شد که مظاهر الهیه مرکز فیض و آثار و کمالات الهیه اند .

و قوله العزیز این واضح است که اگر بخواهیم حقیقت الوهیت را تصور نمائیم آن تصور محاط است و ما محیط و البته محیط اعظم از محاط ازین ثابت و واضح شد که اگر یک حقیقت الوهیتی تصور نمائیم دون مظاهر مقدسه آن اوهام محض است زیرا راهی بحقیقت الوهیت که منقطع وجدانی است نه و آنچه بتصور ما آید اوهام است .

و قوله الجليل و این انسان که گوئیم مقصد هر انسان نیست مقصد انسان کامل است زیرا اشرف عضوی در شجره ثمره است و مقصد اصلی او است .